


Dennett's View on Relation of Religion and Moral Action, A Critical Study

Hamidreza Shakerin ¹

1. professor of logic of understanding religion,
Research Center for Islamic Thought and Culture, Tehran, Iran.
shakerinh@gmail.com

Abstract Info	Abstract
Article Type: Research Article  Received: 2024.07.30 Accepted: 2024.10.02	An important debate in new theology, philosophy of religion and ethics is how to evaluate the relationship between religion and morality. Daniel Dennett concerns the problem pessimistically. He has narrated the useful moral functions of religion, declared by the proponents of religion and objected them in several ways. One of the mentioned affairs in this field, is the relation between religion and moral action, in which he persuades religious malfunction. Therefore, the present issue is to study Dennett's critics on religious function in moral behavior and evaluate it from the viewpoint of Islamic philosophers. The method of research in the context of discovery is library study, and in the context of evaluation id rational-analytical one. The result is that scientific standards do not agree with Dennett's view, and he has not followed them in the ground. His judgements are objected by composition of several fallacies, lacking appropriate credibility.
Keywords	Religion and ethics, moral action, moral patterns, social foundation of morality, Daniel Dennett.
Cite this article:	Shakerin, Hamidreza (2024). Dennett's View on Relation of Religion and Moral Action, A Critical Study. <i>Andishe-E-Novin-E-Dini</i> . 20 (3). 53-74. DOI: https://doi.org/10.22034/AUTUMN.3
DOI:	https://doi.org/10.22034/AUTUMN.3
Publisher:	Islamic Maaref University, Qom, Iran.

تحليل نقدي لوجهة نظر دينيت حول العلاقة بين الدين والسلوك الأخلاقي

حميدرضا شاكرين^١

١. أستاذ في قسم منطق فهم الدين، معهد الثقافة والفكر الإسلامي.

shakerinh@gmail.com

ملخص البحث	معلومات المادة
من أهم اهتمامات العاملين في مجال الفلسفة الجديدة وفلسفة الدين وفلسفة الأخلاق هو تحليل العلاقة بين الدين والأخلاق. وقد أثار دانييل دينيت المناقشات في هذا المجال بنظرة سلبية وقلقة. وأشار إلى تعبير حماة الدين عن الوظائف الأخلاقية الإيجابية وناقشها في عدة محاور من بينها علاقة الدين بالسلوك الأخلاقي. وبشكل عام فإن وجهة نظر دينيت هي نظرة سلبية للوظيفة الأخلاقية للدين. ولذلك فإن مسألة البحث القادم تتمثل في دراسة ورصد انتقادات دينيت لوظيفة الدين في مجال السلوك الأخلاقي وتقييمها من وجهة نظر حكماء الإسلام. ومنهج البحث هو في مجال البحث في المكتبات والوثائقي وفي مجال الحكم التحليلي العقلاني. وتشير نتائج البحث إلى أن المعايير العلمية لم تدعم وجهة نظر دينيت ورغم شعار العلموية إلا أنه لم يراع معايير البحث والحياد العلمي في المناقشة. وأحكامه غالباً ما تكون غير صحيحة، ومختلطة بجميع أنواع المغالطات والتحريفات، وتفقر إلى المعرفة اللازمة.	نوع المقال: بحث تاريخ الاستلام: ١٤٤٦/٠١/٢٤ تاريخ القبول: ١٤٤٦/٠٣/٢٨
الدين والأخلاق، السلوك الأخلاقي، القدوات الأخلاقية، البنية التحتية الاجتماعية للأخلاق، دانييل دينيت.	الألفاظ المفتاحية
شاكرين، حميدرضا (١٤٤٦). تحليل نقدي لوجهة نظر دينيت حول العلاقة بين الدين والسلوك الأخلاقي. مجلة الفكر الديني الجديد. ٢٠ (٣). ٧٤ - ٥٣. DOI: https://doi.org/10.22034/AUTUMN.3	الاقتباس:
https://doi.org/10.22034/AUTUMN.3	رمز DOI:
جامعة المعارف الإسلامية. قم: إيران.	الناشر:



تحلیل انتقادی دیدگاه دنت پیرامون رابطه دین و سلوک اخلاقی

حمیدرضا شاکرین^۱

۱. استاد گروه منطق فهم دین، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، تهران، ایران.

shakerinh@gmail.com

اطلاعات مقاله	چکیده
<p>نوع مقاله: پژوهشی (۷۴ - ۵۳)</p> <p>تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۵/۰۹</p> <p>تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۷/۱۱</p> <p>واژگان کلیدی</p>	<p>از دغدغه‌های مهم متعاطیان حوزه کلام جدید، فلسفه دین و فلسفه اخلاق تحلیل رابطه دین و اخلاق است. دنیل دنت با نگاهی منفی‌نگرانه به مباحث این حوزه دامن زده است. او به بیان کارکردهای مثبت اخلاقی دین از سوی حامیان دین اشاره کرده و آنها را در چند محور به بحث می‌گذارد که از جمله آنها رابطه دین با سلوک اخلاقی است. درمجموع نگاه دنت نگاهی منفی به کارکرد اخلاقی دین است. بدین‌روی مسئله تحقیق پیش رو بررسی و رصد نقدهای دنت به کارکرد دین در حوزه سلوک اخلاقی و ارزیابی آن با الهام از دیدگاه حکمای اسلامی است. روش تحقیق در مقام گردآوری کتابخانه‌ای و اسنادی و در مقام داوری تحلیلی - عقلی است. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد که استانداردهای علمی موید دیدگاه دنت نبوده و او علیرغم شعار علم‌گرایی، ضوابط تحقیق و بی‌طرفی علمی را در بحث رعایت نکرده است. قضاوت‌های او غالباً نادرست، آمیخته به انواع مغالطات و کژتابی‌ها و فاقد وجاهت معرفتی لازم است.</p>
<p>استناد:</p> <p>شاکرین، حمیدرضا (۱۴۰۳). تحلیل انتقادی دیدگاه دنت پیرامون رابطه دین و سلوک اخلاقی. اندیشه نوین دینی. ۲۰ (۳). ۷۴ - ۵۳. DOI: https://doi.org/10.22034/AUTUMN.3</p>	<p>دین و اخلاق، سلوک اخلاقی، الگوهای اخلاقی، زیرساخت اجتماعی اخلاق، دنیل دنت.</p>
<p>کد DOI:</p> <p>https://doi.org/10.22034/AUTUMN.3</p>	<p>ناشر:</p> <p>دانشگاه معارف اسلامی. قم: ایران.</p>



طرح مسئله

ازجمله مسائل مهم مطرح در فلسفه دین و کلام جدید بررسی رابطه دین و اخلاق است. دراین باره صور محتمل و دیدگاه‌های مختلفی قابل طرح است از قبیل: ۱. وحدت و هویت یگانه دین و اخلاق؛ ۲. تباین و تمایز کلی، فقدان پیوند منطقی یا قلمرو مشترک بین آن دو؛ درنتیجه هیچ‌یک اشتقاق‌پذیر از دیگری نبوده و رقابت و تعارضی نیز میان آن دو نخواهد بود؛ ۳. رابطه جزء و کل که به دو زیرگونه قابل تقسیم است: یک اینکه اخلاق جزئی از دین است (فروکاستن اخلاق به دین)؛ دیگر آنکه دین جزئی از اخلاق است؛ ۴. تعارض و ناهمسازی دین و اخلاق؛ این رویکرد نیز به دو زیرگونه تصویرپذیر است: وجود ناسازگاری‌های جزئی و موردی میان آن دو؛ دیگری ناسازگاری کلی به‌طوری که هیچ گزاره اخلاقی با گزاره‌های دینی سازگار نباشد. ۵. تعامل و همکاری دین و اخلاق. این نگره می‌تواند یک‌سویه یا دوسویه مطرح شود. سطح این تعامل و وجوه آن نیز به‌گونه‌های متفاوتی قابل ترسیم است که ازجمله آنها سطح تلازم و نیازمندی است. بر اساس این نگره هیچ‌یک از دین و اخلاق بدون دیگری در رسیدن به اهداف خود کامیاب نخواهند بود (بنگرید: جوادی آملی، ۱۳۹۴: ۲ / ۱۷۵؛ سبحانی، ۱۳۷۵: ۲ / ۲۱۰ - ۱۶۶؛ دبیری، ۱۳۹۵: ۳۰۴ - ۲۶۳). برای مثال دین‌ورزی و تدین بدون اخلاق محقق نشده و فضائل اخلاقی پشتیبان دین‌گرایی و تحقق دین‌ورزی است (مصباح یزدی، ۱۳۸۷: ۳۳). در رابطه با نیاز اخلاق به دین نیز وجوه مختلفی مطرح شده از قبیل نیاز هستی‌شناختی، وابستگی معرفت‌شناختی، نیاز انگیزشی و روان‌شناختی، وجه غایت‌شناختی و نیاز عقلانی. هریک از دیدگاه‌های یاد شده به‌طور مستقل نیازمند بررسی و ارزیابی بوده و تحقیقات مفصلی می‌طلبند (بنگرید: عالمی، ۱۳۸۹: ۲۰۰ - ۱۲۹).

ازجمله باحثان این عرصه دنیل دنت^۱ اندیشمند نوداروینیست و طبیعت‌گرای معاصر است. وی بخش دهم از کتاب معروف خود به نام *شکستن طلسم*^۲ را با عنوان «اخلاق و دین»^۳ آغاز و کارکردهای دین در حوزه اخلاق را بررسی کرده است. او به بیان کارکردهای مثبت اخلاقی دین از سوی حامیان آن اشاره کرده و آنها را در چند محور به بحث می‌نشیند که اهم آنها عبارتند از: ۱. رابطه دین با معرفت اخلاقی؛ ۲. نقش دین در سلوک اخلاقی؛ ۳. کژکارکردی آموزه‌های دینی در اخلاق. هریک از محورهای یاد شده بررسی‌های گسترده‌ای را شامل می‌شود و از حوصله یک مقاله خارج است. بدین روی جستار پیش‌رو بررسی خصوص مسئله سلوک اخلاقی را بر عهده دارد. آنچه به اجمال و اختصار گفتنی است اینکه دنیل دنت از سویی استقلال فعل اخلاقی و نفی هرگونه وابستگی آن به دین را باور داشته و از دیگر سو قائل به تعارض شماری از آموزه‌های دینی با اخلاق

1. Daniel c. Dennett.

2. Breaking The Spell: Religion As A Natural Phenomenon.

3. Morality and Religion.

است. او چنان که خواهد آمد نسبت به انگیزش دینی برای کنش اخلاقی نیز اهمیتی قائل نیست. در مقابل، نویسنده باور دارد که هرچند اصول اخلاقی به لحاظ هستی‌شناختی و معرفت‌شناختی وابستگی به دین ندارند، اما از آنجایی که دین اولاً گنجینه عظیم و بی‌بدیلی از آموزه‌های اخلاقی است، ثانیاً به‌خوبی تأمین‌کننده زیرساخت‌های نظری اخلاق بوده و ثالثاً حاوی آموزه‌هایی است که بالاترین درجه انگیزش برای فعل اخلاقی را فراهم می‌کند، نقشی تعیین‌کننده در اخلاق دارد و استقلال فی‌الجمله اخلاق هرگز بی‌نیازی از دین و یا جانشینی آن را نتیجه نخواهد داد.

شایان گفت است دیدگاه‌های دنت، به‌ویژه در مباحث علوم‌شناختی و نگره دین‌شناختی وی از جهات مختلفی مورد بررسی و ارزیابی قرار گرفته و مقالات و رساله‌های علمی متعددی در این زمینه به ثمر نهشته است. اما تا آنجا که نویسنده جستجو کرده، نگره اخلاقی و دیدگاه او پیرامون رابطه دین و اخلاق کمتر مورد گفتگوی مستقل قرار گرفته است. آثاری از آنچه نویسنده در رابطه با آرای اخلاقی دنت ملاحظه کرده و قابل ذکر به نظر می‌رسد عبارتند از: ۱. مقاله‌ای از براین مونی^۱ با عنوان «Dennett on Ethics: Fitting the Facts against Greed for the Good»^۲ در فصل چهاردهم کتاب^۳ *Dennett's Philosophy: A Comprehensive Assessment* که در آن توضیحاتی فشرده پیرامون نظریه اخلاقی دنت ارائه کرده و از انطباق‌پذیری و کثرت‌گرایی ارزش‌های اخلاقی دفاع می‌کند. ۲. مقاله «بررسی و نقد برهان دنیل دنت در موافقت با سازگارگرایی» اثر آرش خاکسار رنانی و میرسعید موسوی کریمی که در آن تلاش‌های دنیل دنت برای برقراری وفاق بین فیزیکالیسم و اراده آزاد اخلاقی بررسی و نقد شده است. ۳. پایان‌نامه کارشناسی ارشد با عنوان *تبیین و ارزیابی دیدگاه دنیل دنت در حوزه دین پژوهی، مبتنی بر کتاب «شکستن طلسم» بر اساس آموزه‌های اسلامی* اثر سیدمحمدحسین ابطحی که در سال ۱۴۰۲ در دانشگاه معارف اسلامی دفاع شده است. در این اثر بخش کوتاهی نیز به اخلاق و معنای زندگی اختصاص یافته و نقد شده است. ۴. مقاله «دین و معرفت اخلاقی در نگاه دنت، بررسی و نقد» نگاشته همین نویسنده که به نقد دیدگاه دنت در باب ناکارآمدی دین در ارائه معرفت اخلاقی پرداخته است. مروری بر آنچه ذکر شد و دیگر آثاری که از اهمیت کمتری برخوردارند نشان می‌دهد که خصوص رابطه دین و سلوک اخلاقی در کانون توجه باحثان نبوده و برای نخستین بار در این مقاله کنجکاو می‌شود.

دین و سلوک اخلاقی

دنت بحث رابطه دین و سلوک اخلاقی را با این سؤال آغاز می‌کند که «چرا بیشتر مردم به خدا باور دارند؟»

1. Brian T. Mooney.

۲. «دنت: تطبیق واقعیات برخلاف عطش نیک‌خواهی»

۳. «فلسفه دنت: بررسی فراگیر یا بررسی جامع»

او بر آن است که آنان مایلند انسان‌های خوب و شایسته‌ای باشند و راه خوب بودن را این می‌دانند که در خدمت خدا باشند. وی ایمان مؤمنان به باورهای خود را عین عشق و دلدادگی و وفاداری بی‌چون‌وچرا به نظامی از ایده‌ها قلمداد کرده و تاکید می‌کند که مردم دین خود را از هر چیزی بیشتر دوست می‌دارند (Dennett, 2006: 245).

دنت سپس به بیان الگوهای دینی در سلوک اخلاقی اشاره کرده و با مناقشه در برخی از آنها در نهایت نتیجه می‌گیرد که برخلاف تصور رایج، دین نقش قابل‌توجهی در زیست اخلاقی نداشته، بلکه در مجموع، کارکرد دین را در این عرصه زیان‌بار معرفی می‌کند. او الگوهای مختلف مطرح شده از نقش خدا و دین در سلوک اخلاقی را به شرح زیر بیان و نقد کرده است:

۱. الگوی چماق و هویج^۱

شماری از حامیان دین برآنند که اگر وعد و وعید الهی به بهشت و دوزخ ابدی در ترغیب به انجام خوبی‌ها و خودداری از کژی‌ها نمی‌بود، انسان راهی به‌سوی کنش اخلاقی نمی‌داشت و تنها به ارضای نیازها و هوس‌های خود گراییده؛ به هوس‌رانی، عهدشکنی، قتل و غارت و ارتکاب دیگر بدی‌ها می‌پرداخت. چنین سیاستی برای اخلاق‌مدار کردن انسان‌ها همان سیاست چماق و هویج است و از چند جهت مخدوش می‌نماید. (همان: ۲۷۹)

الف) فقدان پشتوانه تجربی؛ من هیچ شاهد و دلیل کافی نیافته‌ام که نشان دهد آنان که پاداش و کیفر اخروی را باور ندارند بیش از مؤمنان مستعد ارتکاب جرائمی چون قتل و دیگر بزهکاری‌ها هستند (همان: ۲۸۰). درحالی‌که اگر رابطه مستقیم و مؤثری بین دین‌داری و پاک‌زیستی در میان باشد، باید به‌زودی کشف می‌شد و هرچه می‌گذرد شک و شبهه در این باره و احتمال نادرستی آن افزون می‌گردد. برای مثال نسبت جمعیتی زندان‌های ایالات متحده از دین‌دارانی چون مسلمانان، مسیحیان و یهودی‌ها تفاوت معناداری با دیگر زندانیان نشان نمی‌دهد. افزون بر آن شواهدی برخلاف تأثیر اخلاقی دین گواهی می‌دهد مانند اینکه آمار طلاق در میان برایت‌ها^۲ در ایالات متحده در کمترین سطح است و در مسیحیان بازایشی^۳ بالاترین نرخ را دارد (همان: ۲۸۰ - ۲۷۹؛ Barna, 1999).

ب) تحقیر انسان؛ الگوی پاسبانی و منوط کردن اخلاقیات به پاداش و کیفر الهی در جهان دیگر

1. arrot and stick.

۲. The Brights یا (Brights movement = جنبش روشن‌ها) جریانی اجتماعی است که در سال ۲۰۰۳ توسط پاول گایزرت و مینگا فوترل پایه‌گذاری شد. هدف این جنبش ترویج جهان‌بینی طبیعت‌گرایانه و حقوق مدنی برابر برای طبیعت‌گرایان است. دنیل دنت ازجمله حامیان این جنبش است.

3. Born - again Christians.

نگاهی تحقیرآمیز به انسان است و از دید برخی دین‌داران نیز حاصل نگاهی کودکانه به خداوند است (Dennett, 2006: 279 - 280).

(ج) زوال نوع‌دوستی؛ وابسته‌سازی اخلاقیات به پاداش و کیفر الهی در جهان دیگر موجب می‌شود که اخلاق را بر بنیادی سست و خودخواهانه بنا نهیم. در نتیجه این رویکرد رفتار نوع‌دوستانه رخت بر بسته و در مقابل مجال برای تروریسم دینی و فجایعی امثال حادثه ۱۱ سپتامبر به امید رسیدن به بهشت جاودان گشوده خواهد شد. او از کتاب **کشتار به نام خدا**^۱ نگاشته «جسیکا استرن»^۱ از کسی که او را جوان مجاهد پاکستانی می‌خواند چنین نقل می‌کند:

نامسلمانان بیش از حد دلداده زندگی خویشند. آنان بزدل‌اند و نمی‌توانند جهاد کنند. آنان نمی‌فهمند که از پس مرگ حیاتی دیگر است. در این جهان نمی‌توان برای همیشه زنده ماند، اما حیات پس از مرگ زندگی جاوید است. اگر حیات فرجامین، اقیانوس است، زندگی در این جهان تنها به یک قطره می‌ماند. پس مهم این است که زندگی خود را برای خدا خالص کنید تا در سرای آخرت پاداش بگیرید. (همان: 125: Stern, 2003)

او همچنین از استون واینبرگ^۲ نقل می‌کند: «انسان‌های خوب، کار خوب می‌کنند و بدان کارهای بد. اما برای اینکه خوبان کار بد کنند، اینجاست که پای دین به میان می‌آید» (Dennett, 2006: 279).

(د) جایگزینی جامعه و نهادهای مدرن؛ بر فرض در گذشته‌های دور و جوامع غیر دموکراتیک منطق چماق و هویج به ایجاد فضایی اخلاق‌مدار و احساس وجود عاملی همواره ناظر و همه‌جا حاضر به پشتیبانی و تضمین امنیت قراردادهای می‌انجامید و در پرتو آن طرفین به تعهدات خود پایبندی نشان داده و مناسبات انسانی از قوام و پایداری لازم بهره‌مند می‌شد، لیکن امروزه دیگر اعتبار این انگاره در حال سقوط است. الگوهای اعتماد دوجانبه در حکومت‌های مدرن و جوامع دموکراتیک بدون حاجت به هرگونه باور مشترک دینی شکل گرفته و تضمین شده است. بنابراین ما دیگر برای تضمین قول و قرارهایمان نیازی به خدای پاسبان نداریم (همان: ۲۸۳ - ۲۸۲).

۲. الگوی قهرمان یا سرمشق^۳

بر اساس این الگو بهتر است که خدا را به چشم یک قهرمان و یا سرمشقی بنگریم که به‌جای ترسیدن، او را الگو قرار دهیم. اگر خدا عادل، رحمان، بخشنده، مهربان، و شگفت‌انگیزترین موجود قابل تصور است،

1. Jessica Stern, *Terror in the Name of God*.

2. Steven Weinberg.

3. A hero or role model.

پس هر کسی که عاشق خدا باشد، به‌خاطر ذات خوبی، عمل به خوبی می‌کند، نه از سر ترس و یا امید ثواب (همان: ۲۸۳). دنت در این باره نقد خاصی را مطرح نکرده و با سکوت از آن گذر می‌کند.

۳. زیرساخت اجتماعی اخلاق‌مدار

دنت نسبت به الگوی فوق به‌طور خاص سخنی نمی‌گوید. لیکن، فارغ از میزان مقبولیت یا اثرگذاری هریک از دو الگوی یاد شده یا جمع آن دو اظهار می‌دارد یکی از اجماعات فراگیر در میان مردمان این است که ادیان، زیرساخت‌های اجتماعی لازم برای ایجاد و حفظ کار گروهی اخلاق‌محور را فراهم می‌آورند. چه‌بسا ارزش ادیان به‌مثابه سازمان‌دهندگان و تقویت‌کنندگان نیات خوب، ضعف‌های ناشی از برخی تعارضات موجود در آموزه‌های دینی را جبران کند و با وجود چنین ثمره مهمی شایسته نیست که خود را با تضادهای کم‌اهمیت عقیدتی سرگرم کنیم. در نگاه دنت این گمان قدری فروتنانه می‌نماید اما از اشکالاتی به شرح زیر برخوردار است:

(الف) فحوائی آن این است که «ما خوبیم، اما نه‌چندان عالی».

(ب) با ادعاهای سنتی خلوص و پاکی که ادیان از آن دم می‌زنند، ناسازگار است.

(ج) چنین بیانی از جانب یک رویکرد مطلق‌گرایانه موجب تضعیف جایگاه روحانی متعالی‌ای می‌شود که این قدرت سازمان‌دهنده بر اساس آن شناخته می‌شود. باور مطلق پاسداران دین به اینکه حق با آنهاست شاید عنصر تعیین‌کننده‌ای در فرستادن سربازان جان‌برکف به جبهه‌های حق علیه باطل باشد. این جزمیت ذهنی قهرمانانه چندان با فروتنی سکولار همخوانی نداشته و می‌تواند زمینه‌ساز توحش، خشونت و سنگدلی باشد و چه‌بسا یک نیروی نظامی سکولار که دل در گرو آزادی و دموکراسی دارد، نه عشق به خدا یا الله، با کمترین خونریزی در تقابل با گروهی از متعصبان، نه‌تنها از اعتبار بلکه از ثمربخشی خود نیز حراست نماید.

(د) مشکل دیگر خطر بزرگ نفاق، اغواگری و جاودان‌سازی جنگ‌های مرگبار و ویرانگر تحت عنوان «جبهه‌های حق علیه باطل» با گسیل داشتن جوان‌های گمراه به میدان‌های نبرد نامفهوم و مبهمی است که رهبران‌شان هرگز به افسانه‌هایی که برخی جانشان را به‌خاطر آنها به خطر می‌اندازند، باور ندارند. چه‌بسا به همان نسبت که آداب و رسوم ما در مقابل خشونت، متمدن‌تر می‌شود، برخی نیز که تشنه به خون و ماجراجویی هستند، به شدت در پی دلیلی هستند که توسط آن بتوانند برای ستیزه‌جویی خود توجیه «اخلاقی» پیدا کنند. از این قبیل است قتل پزشکانی که عمل سقط جنین انجام می‌دهند. شاید دین تنها ریشه اصلی این گرایش‌های خطرناک نباشد؛ ولی قطعاً ادیان منشأ بنیادین فعال در جهت ایجاد یک‌سری «تعصبات» و «جزمیت‌های اخلاقی» هستند. کسانی که مجازات شرعی تعیین می‌کنند، وجود

یقین زاهدانه دینی برایشان حکم یک تسکین‌دهنده روحی توجیه‌کننده همه اعمال و قضاوت‌هایشان را دارد که می‌توان از آن به «مستی دینی»^۱ یاد کرد، اما مستی توجیه به حساب نمی‌آید. (همان: ۲۹۶ - ۲۹۳)

افزون بر آنچه گذشت دنت بر آن است که اخلاق‌مداری هیچ‌گونه وابستگی به باورداشت نفس نامیرا و فرامادی ندارد و شخص می‌تواند در عین اینکه خود را مادی محض و میرا می‌داند دارای روحیه‌ای اخلاقی باشد (همان: ۳۰۵ - ۳۰۲).

نقد و ارزیابی

نگاه منفی دنت به کارکرد اخلاقی دین از جهات مختلفی آسیب‌مند است و اینک گاه آن است که شماری از این آسیب‌ها را شناسایی و بررسی کنیم.

۱. مغالطه وارونگی

اینکه دنت راز خداباوری مردم را این می‌داند که «آنان مایلند انسان‌های خوب و شایسته‌ای باشند و راه خوب بودن را این می‌دانند که در خدمت خدا باشند» از جهاتی در خور خدشه است. درست است که اولاً بسیاری از انسان‌ها مایلند آدم‌های خوب و شایسته‌ای باشند. ثانیاً آنان ایمان به خدا و پیروی از او را رکن رکن و طریقی استوار برای خوب بودن می‌دانند. اما اولاً این سؤال وجود دارد که چرا مردم می‌خواهند انسان‌های خوبی باشند. تبیین این مسئله در نگره فطری و توحیدی امکان‌پذیر است و کارکردگرایی بقائی تکاملی، تبیین معتبری از آن به دست نمی‌دهد. ثانیاً اینکه اصل خداباوری را ناشی از دو گزاره فوق بیان‌گاریم مشتمل بر مغالطه وارونگی، جابه‌جایی علت و معلول، خلط بین مقام نظر و عمل و به تعبیری احکام عقل نظری و عملی است. تا انسان‌ها پیشاپیش خدا را نشناخته و به وجود او و اوصاف حسنی و اوامر و نواهی تعالی‌بخش او باور نداشته باشند هرگز خوب بودن را مساوی با در خدمت خدا بودن نمی‌دانند. بنابراین اصل خداباوری قطعاً بر گزاره دوم مقدم است و اگر بر اولی مقدم نباشد، حداقل ناشی و برآمده از آن نیست.

۲. شواهد تجربی تأثیر مثبت دین

اینکه دنت مدعی است هیچ شاهد و دلیل کافی نیافته‌ام که نشان دهد آنان که پاداش و کیفر اخروی را باور ندارند بیش از مؤمنان مستعد ارتکاب جرائم و بزهکاری‌ها هستند، از جهاتی مخدوش است ازجمله:

الف) مراد از اینکه بی‌دینان بیش از دین‌داران مستعد خطا باشند چیست؟ هر دو گروه به حکم انسان

1. Religious intoxication.

بودن دارای قوای نفسانی، غرایز و کشش‌های مختلف مادی و معنوی مشترکی هستند و در خلقت تفاوتی با یکدیگر ندارند. لیکن دین‌باوران مجهز به باورها و تعالیمی هستند که در جهت‌دهی به‌سوی رفتار نیک و خودداری از کژی‌ها نقش به‌سزایی دارد. توضیح اینکه به لحاظ روان‌شناختی رفتارهای انسان تابعی از شناخت‌ها و جنبه‌ها و جلوه‌های عاطفی انسانند. ازطرف دیگر هر کسی نسبت به خیر و سعادت خویش دغدغه‌مند و خواهان سعادت و خوشبختی است. درنتیجه به‌طور طبیعی اعتقاد به وجود خدای حکیم هدایتگر انسان، همیشه و همه‌جا ناظر، پاداش‌دهنده خوبی‌ها و کیفردهنده بدی‌ها عامل مهمی در کنترل رفتار انسان خواهد بود. لیکن باید توجه داشت که اثرگذاری این باور به عوامل مختلفی پیوند دارد ازجمله: ۱. مرتبه و میزان معرفت به خدا، قوت ایمان و اخلاص دینی؛ ۲. میزان آگاهی از تعالیم و فرامین الهی و داشتن فهم درست و صائب از آن؛ ۳. باتوجه‌به اینکه انسان تحت‌تأثیر شرایط، کشش‌های غریزی، تمایلات گوناگون نفسانی و جاذبه‌های مختلف خارجی است، میزان خودسازی در پرتو تعالیم دینی و به دست آوردن توانایی و مهارت‌های کنترل نفس نیز نقش مهمی در چگونگی رفتار اخلاقی در شرایط حساس و لغزاننده نفس دارد. بنابراین اثرگذاری دین بر رفتار انسان باتوجه‌به میزان سه رکن «ایمان و اخلاص دینی»، «معرفت دینی» و «تربیت و خودسازی دینی» قابل‌شناسایی است.

ب) برخلاف مدعای دنت تحقیقات تجربی حاکی از این است که بین دین‌داری و بزهکاری و جرم و جنایت رابطه منفی وجود دارد و رفتارهای مذهبی می‌تواند بین آنها تمایز افکند (Gartner & Allen, 1991: 6-26). همچنین براساس تحقیقات انجام‌شده به‌وسیله ادلف،^۱ اسمارت،^۲ اوتار^۳ و دیویدز^۴ افراد مذهبی از مواد مخدر استفاده نمی‌کنند یا بسیار کم مصرف می‌کنند. از نظر لوچ^۵ و هیوز^۶ به‌ویژه در میان عناصر مذهبی اصول‌گرایان کمتر از همه به مواد مخدر گرایش دارند و هر اندازه ایمان دینی فرد قوی‌تر باشد احتمال استفاده از مواد مخدر و الکل در او کمتر یا مساوی با صفر است (Adlaf, 1985: 163 - 171).

مسئله خودکشی نیز یکی از بحران‌های جدی در تمدن کنونی بشر است. به‌موجب آمار سازمان بهداشت جهانی در هشت کشور صنعتی جهان خودکشی در بین افراد ۱۵ تا ۴۴ ساله سومین علت مرگ‌ومیر در این کشورها را تشکیل می‌دهد. این کشورها عبارت‌اند از: آلمان غربی، اتریش، کانادا، فنلاند، دانمارک، مجارستان، سوئد و سوئیس. در آلمان غربی بیش از یک میلیون نفر از فشار عصبی رنج می‌برند و ممکن است هر آن دست به خودکشی بزنند (مطهری، ۱۳۸۲: ۳ / ۳۸۹). در مقابل، تحقیقات

1. Adlaf.
2. Smart.
3. Autar.
4. Davids.
5. Loch.
6. Hughes.

نشان می‌دهد خودکشی در کسانی که در مراسم دینی شرکت می‌کنند نسبتی بسیار کمتر از دیگران دارد. کامستاک^۱ و پاتریج^۲ در یک بررسی نشان دادند احتمال خودکشی در افرادی که به عبادت‌گاه‌ها نمی‌روند چهار برابر بیش از شرکت‌کنندگان در محافل دینی است. همه پژوهش‌ها نشان می‌دهد یکی از علل مهم خودسوزی، ضعیف‌بودن اعتقادات مذهبی بوده است (Comstock, 1972: 665 - 672).

یک بررسی که در کشور اردن به‌وسیله داراکه^۳ انجام شده است نشان می‌دهد تعداد خودکشی در ماه رمضان در مقایسه با ماه‌های دیگر سال کاهش قابل‌توجهی را نشان می‌دهد (قهرمانی، ۱۳۸۲: ۱ / ۲۴۴: نوربالا، ۱۳۸۲: ۲۴۳ - ۲۳۷).

ج) در رابطه با مسئله پایداری یا ناپایداری خانواده نیز برخی تحقیقات نشان داده است که مذهب مهم‌ترین عامل پابندی به خانواده، رضایت از ازدواج و کاهش طلاق است و این مسئله عامل مهمی در بهداشت روانی خانواده‌ها به‌شمار می‌رود (See: Glenn, 1987: 267 - 282; Sprowski, 1987: 321 - 327).

۳. تحقیر یا تکریم انسان

اینکه منوط کردن اخلاقیات به پاداش و کیفر الهی در جهان دیگر نگاهی تحقیرآمیز به انسان و نگاهی کودکانه به خداوند است سخن درستی نیست. اساس مطلب این است که:

الف) انسان چون گیاهی نیست که پس از اندک‌طراوتی خشک شود. او «مرغ باغ ملکوت» و دارای حیات جاودان است و با مرگ کالبدی از قفس تن و طبیعت آزاد می‌شود و به ملکوت پر می‌کشد. در واقع زندگی این جهانی مقدمه‌ای برای جهان فراخ‌تر و همیشه پایا است. انسان اگرچه ویژگی‌های فراوان طبیعی و فراطبیعی داشته و به ارزش‌ها و ضدارزش‌ها توصیف شده است، لکن موجودی نیک‌سرشت و دارای عنصری ملکوتی و الهی و ترکیبی از طبیعت و ماورای طبیعت، ماده و معنی، جسم و جان است (جوادی آملی، ۱۳۹۵: ۴۵۸).

ب) انسان معمار سرنوشت خویش است و با عقاید، منش‌ها و رفتارهای خود، خوب‌بود سرنوشت جاودان خویش را رقم می‌زند. بر اساس قرآن مجید در نظام اخروی هر کسی به فرآورده‌های دنیایی خود دسترسی داشته و در گرو کشته خویش است. این مسئله به‌گونه‌های مختلفی در این کتاب آسمانی بازتابیده است از جمله: «كُلُّ امْرٍءٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ» (طور / ۱۲) هرکسی در گرو کرده خویش است. همچنین: «... وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ مِنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ وَأَعْظَمُ أَجْرًا وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ

1. Comstock.

2. Patridge.

3. Darakeh.

غَفُورٌ رَحِيمٌ» (مزل / ۲۰): و آنچه از عمل خیر برای خود پیش می‌فرستید، آن را نزد خدا به بهترین صورت و بزرگترین پاداش خواهید یافت و از خدا آمرزش بخواهید که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است. نیز: «وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَى» (نجم / ۳۹): و اینکه برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او نیست. و همچنین: «فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ * وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ» (زلزال / ۸ - ۷): پس هرکس به وزن ذره‌ای نیکی کند، آن را می‌بیند و هرکه به وزن ذره‌ای بدی کند، آن بدی را خواهد دید. خلاصه اینکه:

اگر بار خار است، خود کشته‌ای وگر پرنیان است، خود رشته‌ای
(فردوسی، ۱۳۹۱: ۸۸)

ج) خداوند متعال خالق و پروردگار عالم و آدم است و هر آنچه در جهان می‌گذرد تحت ربوبیت حکیمانه او است و هیچ‌چیز نمی‌تواند از او مخفی و از سیطره ربوبی او خارج باشد. از جلوه‌های ربوبیت او هدایت انسان است که گونه‌های مختلف هدایت شناختی و گرایشی، تکوینی و تشریعی را شامل می‌شود. در این نگرش فطرت و عقل دو راهنمای باطنی الهی قلمداد و پیامبران و آورندگان شریعت حق، حجت بیرونی خدا شمرده می‌شوند. قرآن مجید تزکیه نفوس را یکی از اهداف مهم رسالت پیامبران برشمرده (آل عمران / ۱۶۴) و از پیامبر اسلام ﷺ نیز نقل شده است: «إِنَّمَا بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ؛ هَمَانَا برانگیخته شدم تا کرامت‌های اخلاقی را به سرحد کمال رسانم» (طبرسی، ۱۴۱۲: ۸). از دیگر سو در روایت از امام صادق علیه السلام آمده است: «یا هشام! ان لله على الناس حجتين: حجة ظاهرة و حجة باطنة: فاما الظاهرة فالرسل والانبياء والائمة عليهم السلام و اما الباطنة فالعقول» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱ / ۱۶). ای هشام! همانا که خداوند بر مردم دو گونه حجت دارد: حجتی آشکار و حجتی پنهان؛ حجت آشکار او، رسولان، پیامبران و امامانند و حجت پنهان عقول آدمیان است. در مباحث اخلاقی هر دو حجت الهی فعال بوده و با تعامل خود هدایت اخلاقی انسان را تکمیل می‌کنند.

به لحاظ انگیزشی نیز اخلاق هم نیازمند محرک‌های درون‌زاد است و هم خواهان سوانق تحریک‌کننده بیرونی. به‌ویژه آنکه از منظر روان‌شناختی بسیاری از انسان‌ها، بدون تشویق و تنبیه مناسب، رغبت زیادی به انجام کارهای خوب و ترک کارهای ناپسند نشان نمی‌دهند (See: Berg; 1991: 531 - 532). بر این اساس فطرت کمال‌جو و ارزش‌گرای درونی انسان محرک درون‌زاد او به‌سوی خیر اخلاقی است و بر اثر وجود چنین محرکی است که دنت اظهار می‌دارد آنان مایلند انسان‌های خوب و شایسته‌ای باشند. در انسان‌شناسی فطرت‌گرا نه تنها اصول بنیادین اخلاقی مستقل از دین

قابل درک، که مورد گرایش ذاتی انسان نیز هست و در اصل دارا بودن انگیزه درونی به نام وجدان اخلاقی فرقی بین دین‌دار و بی‌دین نیست؛ بنابراین شخص دین‌گریز نیز در صورت سلامت وجدان، می‌تواند به حدودی از سلوک اخلاقی دست یابد؛ اما همه اصول اخلاقی از طریق شهود و وجدان اخلاقی دسترس‌پذیر نبوده، افزون بر آن فساد وجدان بر همان حداقل‌ها نیز پرده می‌کشد. لاجرم برای رسیدن به بلندای اخلاق، دین الهی جامع‌ترین و گران‌بarestین منبع اخلاق است، ضمن آنکه گریز از دین حق، خود رفتاری غیراخلاقی است. افزون بر این وعدو وعیدهای شریعت از بیرون می‌تواند انگیزه سلوک اخلاقی را تقویت کند.

د) در جهان‌بینی دینی نظام هستی سرشتی اخلاقی دارد و در برابر نیک‌و بد افعال انسان واکنش مناسب نشان می‌دهد. بخشی از این واکنش در همین جهان است و ادبیات دینی پر از آموزه‌هایی در تبیین چگونگی تأثیر افعال آدمی در خیر و شر این جهانی است. بخش اعظم و پایدار این نتایج نیز در سرای جاودان آخرت ظاهر می‌شود و خداوند متعال به‌عنوان خالق و پروردگار عالم و آدم ضامن نهایی تامین نتایج فعل نیک‌و بد اخلاقی و انذار و تبشیرهای ابلاغ شده از سوی پیامبران است. او بر اساس عدل، حکمت و شفقت و مهربانی سرانجام خوبی و بدی را با لحاظ تمام شرایطی که در آن عدالت، رحمت و تکریم نیکوکاران به بهترین شکلی تحقق پذیرد به فاعلان آن می‌رساند. در ضمن باید توجه داشت که پاداش و تنبیه الهی جنبه تکوینی و رابطه عینی و اتحادی با عمل و ملکات اکتسابی انسان دارد و از سنخ پاداش و تنبیه اعتباری نیست (بنگرید: مطهری، ۱۳۸۴ الف: ۲۳۴ - ۲۲۵).

اکنون سؤال این است که چنین اندیشه‌ای اهانت و تحقیر انسان است یا تکریم و گرمی‌داشت او و پاس نهادن به نیکوکاری‌های او؟ نیز اینکه چه وجهی از آن، نگاه کودکانه به خداوند است؟ البته تصویر چماق و هویج دنت نوعی صورت‌پردازی کاریکاتوری و ناقص از مسئله است و چه‌بسا بتوان وجوهی از خداشناسی و انسان‌شناسی ناقص در آن یافت. بیان دنت آمیخته به تقریری خام از نظریه الهی اخلاق است که بر اساس آن گویی انسان به تنهایی نه قدرت تشخیص اخلاقی دارد و نه گرایشی به سلوک اخلاقی. این تصویر منحصر در بیان دنت نیست و شماری از دین‌داران نیز در برساختن چنین تصویری نقش دارند. لیکن باید توجه داشت که بر اساس یک تصویر ناقص یا نادرست نمی‌توان به‌طور کلی نقش تشریع یا سزادهی الهی در اخلاق را به نقد کشید.

ه) زمانی چیزی را تحقیر موجودی می‌توان انگاشت که شأن و منزلت او بالاتر و والاتر از آن چیز باشد. اکنون می‌پرسیم شأن انسان چیست که آنچه گفته آمد تحقیر او باشد؟ انسان‌شناسی نئوداروینیستی دنت چه شأن و جایگاهی برای انسان و رفتارهای او قائل است که نگره اخلاق الهی را تحقیر انسان

قلمداد می‌کند؟ مگر در این نگاه، انسان چیزی بیش از یک موجود فیزیکی تحول یافته از اجداد حیوانی است که طی فرایند کروکور طبیعی در روند تنازع بقا سر بر کشیده و رفتارهای او اعم از اخلاقی و غیراخلاقی همه در چارچوب تنازع برای بقا در چندروزه جهان گذران و فناپذیر تبیین می‌شود؟ به‌راستی انسان را خلیفه خدا در زمین، مرغ باغ ملکوت، حقیقتی همیشگی پایا و افعال اخلاقی او را دارای صبغه الهی، ساحت ملکوتی و جاودانه دانستن، تحقیر انسان است یا تصویر نئوداروینیستی که آدمی را چیزی جز گوشت و استخوان و سلول‌های مغزی نمی‌بیند و رفتارهای اخلاقی او را جز جنگ نافرجام برای بقا در این جهان نمی‌نگرد، چرا که سرانجام راهی جز به‌سوی گورستان ندارد و چاره‌ای نیست جز آنکه بقا را برای ژن‌ها به یادگار گذارد و بگذرد؟ در نگره دینی اخلاق، انسان در محضر خدای متعالی صاحب اسماء حسنی و همه اوصاف کمالیه به‌نحو اعلی و اتم است که همه نتایج افعال را به نحو اعلی به انسان بازمی‌گرداند. و در نگره نئوداروینیستی دنت در خدمت ژن‌های کروکور ناتوان. اگر اولی تحقیر انسان است، دومی را چه باید گفت؟

۴. سازگاری سزادهی و نوع‌دوستی

اینکه وابسته‌سازی اخلاقیات به پاداش و کیفر الهی موجب بنا نهادن اخلاق بر بنیادی سست و خودخواهانه، زوال نوع‌دوستی و مجال‌گشایی برای تروریسم دینی است از جهاتی محل تأمل است: الف) بر اساس آنچه از تقریر نظریه دینی اخلاق گذشت اخلاقیات وابسته به پاداش و کیفر الهی نیست، درعین حال پاداش و کیفر الهی، حضور مؤثر خود را دارد و مکملی برای انگیزش و کنش اخلاقی است. بنابراین وابسته‌انگاری یاد شده بیشتر به تقریر چماق و هویج دنت مربوط است، نه تبیین دینی اخلاق در اندیشه اسلامی.

ب) روشن شدن بیشتر رابطه اخلاق با پاداش و کیفر الهی در گرو توجه به مؤلفه‌های فعل اخلاقی است. اخلاقی بودن یک عمل دارای دو رکن است: حسن فعلی و حسن فاعلی. بر این اساس کاری که حسن فعلی داشته ولی با انگیزه سوء انجام گیرد عمل اخلاقی به حساب نمی‌آید، هرچند نفس فعل متصف به خوبی باشد. همچنین عمل سوء با قصد خیر عمل اخلاقی نیست، هرچند فاعل آن به لحاظ شخصیت فردی اخلاقی به حساب آید. در رابطه با مراد از حسن فاعلی نیز دیدگاه‌های مختلفی وجود دارد از قبیل اینکه حسن فاعلی انجام عمل بر اساس حکم وجدان است یا به حکم عقل به حسن عمل، یا برای رضای خداوند متعال، یا انجام وظیفه، رعایت قانون، کسب کمال و سعادت و یا چیز دیگر (بنگرید: همان: ۴۵۰ - ۴۳۵؛ همان ب: ۶۳ - ۳۸). آنچه اکنون بر آن تأکید می‌رود این است که حسن فاعلی مستلزم تهی بودن کامل از انگیزه‌هایی چون خیر و سعادت فاعل آن نیست. برای مثال کسی که عمل نیک را به حکم

عقل بر حسن عمل انجام می‌دهد، انجام این عمل را نوعی کمال و خوبی و دوری از آن را عیب و کاستی برای خود می‌داند.

ج) باید بین خودخواهی مذموم از نظر اخلاقی و خوددوستی و به‌تعبیری خودگرایی روان‌شناختی فرق نهاد. آنچه از نظر اخلاقی ناپسند است خودخواهی به معنای ترجیح و تقدیم منافع خود بر دیگران است. لیکن خوددوستی یا حُبِّ ذات امری سرشتی در هر موجود زنده شعورمند است. چنین گرایشی اولاً قابل از بین بردن نیست، بلکه به لحاظ فلسفی عین نفس انسان است (بنگرید: موسوی اصل و همکاران، ۱۳۹۵: ۷۹ - ۷۸). ثانیاً تا زمانی که به آسیب دیگران منتهی نشود نه‌تنها مشکلی ندارد، بلکه یکی از عوامل مهم پویایی، حرکت و فعالیت است. اگر چنین چیزی را سست شدن بنیاد اخلاق بدانیم، به ایدئالیسم اخلاقی تن داده و دیگر نمی‌توان برای اخلاق، بنیاد استواری یافت. ضمن آنکه این اشکال در تبیین تکاملی از اخلاق بارزتر و قوی‌تر است، زیرا در این نظریه هر عملی که به بقای خود و حداکثر هم‌بستگان ژنتیکی بیانجامد اخلاقی است و اموری چون نوع‌دوستی، ایثار و ازخودگذشتگی توجیه روشنی ندارد (بنگرید: برخوردار و دیگران، ۱۳۹۷: ۵۲). رابعاً ذات انسان دارای دو مرتبه علوی یا متعالی و سفلی یا حیوانی است. آنچه گاه با مصالح دیگران در تعارض افتاده و زمینه رفتار غیراخلاقی است لجام‌گسیختگی در توجه به من سفلی و حیوانی است. در مقابل دوست داشتن من علوی یا خود حقیقی، مستلزم دوست داشتن و طلب کردن کمال حقیقی است. کمال حقیقی انسان نیز در قرب به خداوند است.

د) پنداشت زوال نوع‌دوستی در پیوند اخلاق با پاداش و کیفر الهی ناشی از خلط خوددوستی و خودخواهی مصطلح است. چنانکه گفته آمد خوددوستی، برخلاف خودخواهی لجام‌گسیخته، مستلزم تقدیم منافع خود بر دیگران نیست تا موجب زوال نوع‌دوستی شود و پاداش و کیفر الهی نیز حاوی هیچ تعارضی با منافع هموعان نیست تا مقتضی زوال نوع‌دوستی باشد. ضمن اینکه در نگاه عرفانی و برخی نظریات روان‌شناختی، مانند دیدگاه ویلیام جیمز، انسان دارای نوعی خود جمعی است و در واقع از طریق روحی کلی بین آدمیان وحدت باطنی وجود دارد. این خود جمعی که همان خود علوی است به خدا برمی‌گردد و هر کاری که از من جمعی برخیزد عملی اخلاقی است (بنگرید: مطهری، ۱۳۷۱: ۷۴۰ - ۷۳۳).

هـ) الگوی حاوی پاداش و کیفر الهی قسیم الگوی سرمشق نبوده که قابل جمع‌اند و به تعبیری رابطه طولی دارند. آنها دو مرتبه از حسن فاعلی را به نمایش می‌گذارند. کسی که به مراتب بالای معرفت و خودسازی رسیده و انسان مؤمنی که خوبی را برای ذات خوبی انجام می‌دهد، ذات الهی را مجمع اوصاف کمالیه و اسماء حسنی و عین خیر و خوبی و جمال و زیبایی می‌داند. او در این زمینه به توحید رسیده و ذات خوبی را جدا از جمال جمیل علی‌الاطلاق و صبغه الهی نمی‌داند. افزون بر آن او به یقین می‌داند که

آن ذات یگانه هیچ کار نیکی را بدون پاداش نمی‌گذارد و در نتیجه فضل الهی همواره او را خوش‌بین و امیدوار نگه می‌دارد.

۵. مغالطه تروریسم دینی و استاندارد دوگانه

آنچه دنت «تروریسم دینی»، «مستی دینی» یا «جزمیت اخلاقی» می‌خواند از جهات مختلفی شایان بررسی است:

الف) این مسئله به‌هیچ‌روی ناشی از اصل نظریه دینی اخلاق و پاداش و کیفر الهی بر خوبی و بدی عمل نیست و در بیان دنت نوعی خلط و مغالطه نهفته است. چنان‌که در توضیح ملاک فعل اخلاقی گفته آمد حسن فعلی و فاعلی دو رکن اساسی کنش اخلاقی‌اند و تروریسم حتی بر فرض حسن فاعلی فاقد رکن دوم است و موضوعاً از محل بحث اخلاق خارج است.

ب) چنان‌که پیشتر گفته آمد در بررسی نقش دین باید بین خود دین با گونه‌های تدین و فهم و معرفت دینی تفکیک کرد. تدین به معنای قبول باورهای دینی و عمل بر اساس تعالیم عملی آن است. این مسئله از یک‌سو وابسته به التزام و تعهد قلبی و از دیگر سو وابسته به معرفت دینی و فهم از آن است. فهم درست از دین به سمت اهداف دین راهبری می‌کند و فهم ناقص و نادرست چه‌بسا در جهت مخالف آن قرار گیرد. بدین‌روی در متون دینی از سویی به اخلاص و ایمان و از دیگر سو به علم و معرفت و پیروی از دانایان بسیار تأکید و از رفتارهای نابخردانه و بدون درک و آگاهی مناسب نهی شده است. قرآن مجید در این باره می‌فرماید:

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا (إسراء / ۳۶).
و از چیزی که به آن علم نداری پیروی مکن؛ زیرا گوش و چشم و دل [که ابزارهای شناخت و معرفت‌اند] در این باره موردِ بازخواست‌اند.

از پیامبر گرامی اسلام ﷺ روایت شده است:

مَنْ عَمِلَ بِغَيْرِ عِلْمٍ كَانَ مَا يُفْسِدُ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُ (کلینی، ۱۴۰۷: ۱، کتاب فضل العلم، ح ۳؛ مجلسی، ۱۴۰۳: ۲ / ۱۶ و ۳۵).

هرکس بدون دانش کافی بر کاری اقدام کند، بیش از آن که نتیجه خوبی به بار آورد، مفسده در پی خواهد داشت.

بسیاری از رفتارهای نادرست که به حساب دین گذاشته می‌شود؛ نه ناشی از دین الهی، که برآمده از نادانی و کج‌فهمی، یا انگیزه‌های غیر دینی و هواهای نفسانی همراه با توجیهات به‌ظاهر دینی و به

عبارتی بی‌دینی یا ضعف دین‌داری تحت پوشش شعار دینی است. راه برون‌رفت از این مشکل نیز بیداری، هشیاری، دقت و حساسیت دینی است که از طریق رشد معرفت و تهذیب و پالایش نفس در پرتو معارف عالی‌ه دین حاصل می‌شود. از همین‌رو در متون دینی افزون بر لزوم معرفت بر خلوص نیت، تهذیب و مراقبت دائمی نفس تأکید بسیاری رفته است.

ج) خطر نفاق و سوءاستفاده از دین، همراه با تحریف عمدی و آگاهانه یا نتیجه‌گیری‌های نادرست از آن خطری جدی است. لیکن:

اولاً چنان‌که اشاره شد این ناشی از خود دین نبوده و تابع عوامل دیگری چون ضعف آگاهی است. به تعبیر شهید مطهری در غیاب درک و معرفت، ایمان زاهدان احمق‌ابزاری می‌شود در دست منافقان زیرک (بنگرید: مطهری، ۱۳۸۴ ب: ۳۲۸ - ۳۱۶). راه‌حل این مسئله نیز تقویت درک و شعور و عقلانیت دینی است.

ثانیاً این مسئله اختصاص به دین ندارد و هر گوهر گران‌بهایی می‌تواند ابزاری برای سودجویی خودخواهان و دنیاپرستان شود و هر اندازه چیزی پربه‌تر و مؤثرتر باشد وسوسه‌انگیزتر نیز هست. نظیر این مسئله را در علم می‌توان یافت که از ضروری‌ترین و مطلوب‌ترین‌های حیات بشری است. درعین‌حال همین علم، امروزه به شمشیری در دست زنگیان مست تبدیل شده، به‌طوری‌که امروزه بیشترین سوءاستفاده‌ها، خیانت‌ها و جنایت‌ها از طریق سلاح علم و تکنولوژی بر بشریت می‌رود. امروزه بسیاری از مفاهیمی که غرب مدرن با شعار دادن آنها مانند آزادی، دموکراسی، حقوق بشر و... به خود می‌بالد از چنین وضعیتی رنج می‌برند. برای مثال «انسان‌مداری»^۱ ازجمله مفاهیمی است که در عمل مجال‌گشای بیشترین سوءاستفاده‌ها و قربانی‌کردن انسان‌ها به‌پای منافع مدعیان آن بوده است. «دیویس تونی» بر آن است که انسان‌مداری شعاری برای سرکوب بسیاری از انسان‌ها بوده است (احمدی، ۱۴۰۰: ۱۱۱؛ تونی، ۱۳۸۷: ۲۷). از دیدگاه او نازیسم، فاشیسم، استالینیسم و امپریالیسم همه هم‌زاد و هم‌تبار با اومانیزم است و از همین‌رو پاره‌ای از اندیشمندان آن را مساوی با «جنبش ضد انسانی»، «توجیه‌گر مراکز قدرت»، «مفهومی فریبنده» و «ندای برتری نژادی» (همان: ۹، ۵۴، ۶۴ و ۸۴) خوانده و گفته‌اند: «تقریباً امکان ندارد به جنایتی فکر کنیم که به نام انسانیت صورت نگرفته باشد» (احمدی، ۱۴۰۰: ۱۱۲).

ثالثاً آنچه اسفانگیز است استاندارد دوگانه امثال دنت است که از سویی به علم‌گرایی خود بالیده و چشم بر همه محدودیت‌ها و نارسایی‌های علم و علم‌گرایی و مشکلاتی که از این جهت دامن‌گیر بشر شده فرومی‌بندد. به تعبیر بانین و جی‌یان «علم‌گرایی مبتنی بر یک تعهد ایدئولوژیک کورکورانه یا تفکر

جزمی است، نه مبتنی بر پیشرفت معرفت‌شناختی قابل اثبات» (Bunnin, 2009: 624). از طرف دیگر ظرفیت‌های ارزشمند دین و خدمات و حسنات آن را نادیده گرفته و به جای آسیب‌شناسی دقیق و درست از نحوه‌های سلوک دینی و بیان راه‌های معتبر اصلاح آن به ادنی مناسبتی دین را مورد تهاجم و نسبت‌های ناروا قرار می‌دهد. این استاندارد دوگانه سوءظن نسبت به اینکه وی دنبال کننده پروژه اسلام‌هراسی و تئوریزه کردن آن است و در این مسیر بی‌طرفی علمی را کنار می‌گذارد تقویت می‌کند.

د) آنچه دنت به عنوان فجایعی مانند حادثه ۱۱ سپتامبر می‌خواند هیچ نسبت ثابت شده‌ای با اسلام و حتی آنچه اسلام‌گرایی افراطی خوانده ندارد. در مقابل همه شواهد بر ساختگی بودن این ماجرا و طراحی آن توسط دستگاه حاکمه آمریکا برای زمینه‌سازی اسلام‌هراسی، اجماع‌سازی جهت لشگرکشی به جهان اسلام، مهار انقلاب اسلامی و راه انداختن جنگ تمدنی گواهی می‌دهد. در این زمینه حتی اگر پای کسانی چون چند عنصر تندروی القاعده و ... هم در میان باشد، باز مسئول اصلی، هیئت حاکمه ایالات متحده آمریکا است که منافقانه و زیرکانه از حماقت و نادانی دین‌شعار گروهی کوتاه‌فکر و بیگانه با معارف عالیه دینی سوءاستفاده و آنها را نادانسته، به مثابه عامل ناآگاه^۱ در جهت خواسته‌ها و مقاصد شوم خود به کار گرفته و در پی آن فجایع بسیار بزرگتری را دامن زده است. ضمن اینکه سران آمریکایی به صراحت اعتراف کرده‌اند که القاعده ساخته و پرداخته خودشان است.

۶. عدم جانشینی نهادهای دموکراتیک

نهادهای دموکراتیک و مدرن جانشین باورهای دینی در تأمین جامعه سالم و تضمین مناسبات حقوقی نیستند. کنترل و نظارت بیرونی در جای خود لازم است و در گذشته نیز حکومت‌ها و نهادهایی برای تضمین روابط حقوقی افراد، جوامع و دول وجود داشته است. اما آنچه درخور توجه است این است که نظام جامع کنترل و نظارت، نظامی است که حاوی هر دو سیستم کنترل درونی و بیرونی باشد و باور دینی به خدا و حضور دائمی و پاداش و کیفر الهی تأمین‌کننده بخش درونی ماجرا بوده و نهادهای اجتماعی تأمین‌کننده بخش بیرونی آن. این دو مکمل یکدیگرند و از قضا دین مبین اسلام نظام جامعی از هر دو را ارائه می‌کند (بنگرید: شاکرین، ۱۳۸۴: ۱۵۹ - ۱۳۷). یکی از علل نیاز به هر دو، این است که نهادهای بیرونی اگر فاقد پشتوانه درونی باشند به شدت آسیب‌پذیر بوده و چه بسا به ضد خود تبدیل شوند. سوگمندان باید گفت نهادهای مدرن کنونی به شدت از این آسیب رنجورند. بانیان این نهادها بزرگترین متخلفان از اصول حقوق بشر بوده و از آنها فقط به صورت ابزاری برای سرکوب ملت‌های تحت ستم و نهضت‌های آزادی‌بخش استفاده می‌کنند. مگر همین سردمداران دموکراسی و پدیدآورنده نهادهایی چون

1. unconscious agent.

سازمان ملل متحد و بسیاری از نهادها و پیمان‌های بین‌المللی نیستند که خشن‌ترین دیکتاتورها را بر سرنوشت ملت‌ها حاکم کرده و هر حرکت استقلال‌طلبانه و آزادی‌خواهانه‌ای را در نطفه خفه می‌کنند؟ کودتا علیه حکومت مردمی سالوادور آلنده و قتل او در سال ۱۹۷۳ م، توسط ژنرال پینوشه، با همکاری و پشتیبانی ایالات متحده صورت پذیرفت. کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ علیه دولت ملی مصدق با طرح‌ریزی آمریکا و بریتانیا انجام شد و برای چندین دهه دیکتاتوری خشن پهلوی را بر ملت ایران تحمیل کرد و تا آخرین روزهای حکومت منحوس خود، تحت حمایت ایالات متحده و حقوق بشر کارتری بود. از این همه رسواتر تأسیس دولت جعلی و اشغالگر اسرائیل توسط اهریمنان مدرن غربی است که در پی آن ده‌ها سال است وحشیانه‌ترین و ظالمانه‌ترین جنایات توسط این رژیم کودک‌کش در برابر دیدگان جهانیان رخ می‌دهد و اتحادیه اروپا، سازمان ملل متحد و دیگر نهادهای حقوق بشری مدرن تنها تماشاگران خوب و مؤدبی برای این فجایع انسانی هستند. اسف‌بارتر اینکه در منطق امثال دنت ملت مظلوم و مقاوم فلسطین و حماس که صرفاً برای دفاع از سرزمین خود مبارزه‌ای مشروع می‌کنند تروریست خوانده می‌شوند، و مسئول آن هم دین مبین اسلام شناخته می‌شود، بدون اینکه گردی بر دامن کبریایی اشغالگران و ابرجنایتکاران غربی یا مورد حمایت غرب بنشیند. نمونه‌های بسیار دیگری از کژکارکردی نهادهای دموکراتیک مدرن و یا سکوت آنها در برابر خودکامگی سردمداران دموکراسی غربی وجود دارد که از شرح آنها مثنوی هفتاد من کاغذ شود. برای نمونه می‌توان خروج ترامپ از معاهده آب‌وهوایی پاریس و پاره کردن برجام را مثال آورد.

۷. همسازی زیرساخت‌سازی اجتماعی و حقانیت

نقدهای دنت نسبت به این باور که ادیان فراهم آورنده زیرساخت‌های اجتماعی لازم برای کار گروهی اخلاق‌محورند از جهاتی محل تأمل است ازجمله:

الف) اینکه فحوای آن این است که «ما خوبیم، اما نه چندان عالی» این سؤال را پدید می‌آورد که اولاً عالی بودن انسان چه شرایط، ویژگی‌ها و لوازمی دارد که دیدگاه فوق آن را نفی می‌کند. افزون بر آن اگر چنین فحوایی را بپذیریم به این معنا است که انسان پیش از آنکه تربیت دینی شود استعداد عالی شدن را دارا بوده و بالقوه عالی است. سپس اخلاقیات دینی می‌تواند انسان را در جهت به فعلیت رساندن این استعداد هدایت و تشویق نماید و این استعداد را به فعلیت برساند. پس در پرتو تربیت اخلاقی دینی انسان بالفعل عالی می‌شود. راز این مطلب آن است که در انسان میل‌های مختلفی وجود دارد، اعم از میل‌های طبیعی و معنوی. اگر انسان به خود واگذار شود تحت سیطره میل‌های طبیعی قرار گرفته و این دسته از امیال به صورت طبیعی به فعلیت می‌رسند؛ برخلاف گرایشات معنوی که در نفس انسان مستترند. دین

تریت معنوی و اخلاقی انسان را بر عهده می‌گیرد و موجب شکوفایی امیال معنوی، تعالی و تکامل او می‌شود (صدر، ۱۴۰۸: ۳۲ - ۴۰).

ب) تأکید بر کارکرد اخلاقی - اجتماعی دین فی نفسه تنافی با خلوص و حقانیت دینی نداشته و موجب تنزل دادن جایگاه بلند آن نمی‌شود. برای روشن شدن مطلب باید بین دو مقوله تفکیک کرد: ۱. کارکردشناسی دین؛ ۲. کارکردگرایی دینی.

در کارکردشناسی دین می‌توان با حفظ حقانیت دین و یا حتی تعلیق آن به بیان کارکردها پرداخت و بحث از مسئله حقانیت را به فضا و شرایط دیگری واگذار کرد. در این صورت تأکید بر کارکردها چندان نقشی در تقویت یا تضعیف حقانیت و خلوص دینی ندارد.

در مقابل کارکردگرایی دینی اصالت را به کارکردها داده و اساساً برای مسئله حقانیت جایگاه مهم یا درجه اولی قائل نبوده، بلکه چه‌بسا آن را فاقد ارزش تلقی نموده و یا حقانیت را همان کارکرد تلقی می‌کند. این رویکرد، خالی از مشکلی که دنت مطرح کرده نیست و از قضا بیانی که دنت از کارکرد اخلاقی - اجتماعی دین دارد به این رویکرد نزدیکتر است، لیکن این تنها رویکرد در این باب نیست.

۸. خلط مقام ثبوت و اثبات

در رابطه با این دیدگاه دنت که اخلاق‌مداری هیچ‌گونه وابستگی به باورداشت روح نامیرا و فرامادی مانند نفس دکارتی، روح اثیری و... ندارد و کسی که در انسان‌شناسی، مادی و فیزیکالیست است می‌تواند دارای روحیه‌ای اخلاقی باشد، باید بین دو مقام ثبوت و اثبات تفکیک کرد. به لحاظ مقام اثبات دیدگاه یاد شده فی‌الجمله درست است و چه‌بسا کسی بدون باورداشت نفس مجرد و حیات پس از مرگ دارای روحیه اخلاقی باشد. لیکن:

الف) این مسئله ریشه در سرشت نیکو، فطرت کمال‌جو و تعالی‌طلب انسان دارد که پیش‌تر از آن سخن گفته شد و با نفی نفس فرامادی و فطرت انسان در مقام اثبات، حقیقت آن در مقام ثبوت و تأثیرات آن نیست و نابود نمی‌شود.

ب) ما در جهانی زندگی می‌کنیم که تعالیم عالیه اخلاقی پیامبران الهی در سراسر جهان طنین افکنده و نسل به نسل در میان بشریت انتقال یافته و وجوه و سطوحی از آن به فرهنگ غالب و پایدار بشری تبدیل شده است. طبیعی است در چنین جهانی شماری از دین‌گرایان و یا نامعتقدان به برخی باورهای دینی در باب انسان و جهان به برخی از آموزه‌های اخلاقی پایبندی نشان دهند؛ به‌ویژه آنکه زیست اخلاقی از نیازهای جدی بشریت و شرط لازم جامعه سالم است.

ج) امکان دارا بودن روحیه اخلاقی یک مسئله است و میزان، مرتبه و حدود آن چیز دیگری است. اگرچه انسان نامعتقد به نفس نامیرا می‌تواند دارای روحیه اخلاقی باشد، اما به‌طور معمول کسانی که به حیات جاودان، پاسخ‌دهی مناسب نظام هستی به رفتارهای انسان، پاداش و کیفر الهی باور داشته و در کنار این همه به گستره وسیعی از تعالیم اخلاقی انبیای الهی دسترسی داشته و مطابق با تعالیم دینی تربیت یافته‌اند در این زمینه آماده‌تر و موفق‌ترند.

د) گستره اخلاق‌گرایی، مقابله با خودخواهی‌ها و خودکامگی‌های نفس‌امّاره، ایثار و ازخودگذشتگی و پایداری در جهت خدمت به دیگران در این گروه از انسان‌ها فراخ‌تر، ژرف‌تر و پایاتر از ناباورمندان به حیات جاودان و دیگر باورهای پایه دینی است (See: Wilson, 2002).

نتیجه

چنان‌که ملاحظه شد دنت با ارایه دو الگو و یک کارکرد فراالگویی از چگونگی نقش دین در سلوک اخلاقی به بررسی این مسئله پرداخت. الگوهای یاد شده عبارت بودند از «الگوی چماق و هویج» و «الگوی سرمشق یا قهرمان» و نتیجه فراالگویی عبارت بود از «پدیدآوری زیرساخت اجتماعی اخلاق‌مدار». او پس از پرداختن به موارد فوق نقش دین در سلوک اخلاقی را منفی و کم‌اهمیت تلقی کرده و بر آن است که کارکرد مورد انتظار از دین در این زمینه فاقد پشتوانه تجربی، حاوی نگاه تحقیرگونه به انسان، موجب زوال نوع‌دوستی و منشأ خطرات بزرگی چون تروریسم و خشونت است. ازطرف دیگر او بر آن است که روحیه اخلاقی، هیچ ابتدایی بر باورهای دینی نداشته و نهادهای دموکراتیک مدرن جایگزین بهتری برای تضمین اخلاقی در مناسبات انسانی هستند.

بررسی‌های انجام شده در مقاله نشان می‌دهد نگاه منفی دنت به کارکرد اخلاقی دین از جهات مختلفی آسیب‌مند است. شماری از این آسیب‌ها عبارتند از: ابتلا به انواع مغالطات از قبیل: مغالطه وارونگی و خلط جایگاه علت و معلول، خلط مقام ثبوت و اثبات، تقریر نادرست، ناقص یا گزینش نگره‌های اخلاق دینی به گونه‌ای که سرانجام به مغالطه پهلوان پنبه می‌انجامد. پشت پا زدن به بی‌طرفی علمی و نادیده گرفتن شواهد مخالف دیدگاه خود، خلط خودخواهی و خوددوستی و بی‌اعتنایی به وجوه جمع‌پذیری دوگانه‌هایی چون سزادهی و نوع‌دوستی، کارکرد اجتماعی و مسئله حقانیت. همچنین بی‌توجهی به اموری چون تفکیک کارکردگزینی و کارکردگرایی، لوازم و عوامل کنترل و نظارت جامع که وجوه درونی و بیرونی را شامل می‌شود و نیز اینکه نهادهای دموکراتیک حتی برفرض کارکرد مثبت اخلاقی - که با کمال تأسف از آن دورند - باز هم هرگز نباید و نمی‌توانند جانشین دین تلقی شوند.

منابع و مآخذ

قرآن کریم.

۱. ابطحی، سید محمدحسین (۱۴۰۲). **تبیین و ارزیابی دیدگاه ذیل دنت در حوزه دین پژوهی، مبتنی بر کتاب «شکستن طلسم» براساس آموزه‌های اسلامی**. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. قم: دانشگاه معارف اسلامی.
۲. احمدی، بابک (۱۴۰۰). **معمای مدرنیته**. تهران: مرکز.
۳. برخورداری، علی و دیگران (۱۳۹۷). مقایسه توانمندی اخلاق دینی و اخلاق تکاملی در تبیین دامنه دگردوستی. **پژوهشنامه اخلاق**. ۱۱ (۲). ۶۸ - ۴۷.
۴. تونی، دیویس (۱۳۷۸). **اومانیزم**. ترجمه عباس مخیر. تهران: نشر مرکز.
۵. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۴). **تفسیر تسنیم**. قم: اسراء.
۶. جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۵). **تفسیر انسان به انسان**. قم: اسراء.
۷. خاکسار رنانی، آرش و میرسعید موسوی کریمی (۱۳۹۵). بررسی و نقد برهان ذیل دنت در موافقت با سازگارگرایی. **حکمت و فلسفه**. ۱۲ (۲). ۳۶ - ۲۱.
۸. دبیری، احمد (۱۳۹۵). اخلاق و دین. واقع شده در: **مباحثی در کلام جدید**. علی شیروانی و همکاران. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۹. سبحانی، جعفر (۱۳۷۵). **مدخل مسائل جدید در علم کلام**. قم: مؤسسه امام صادق (ع).
۱۰. شاکرین، حمیدرضا (۱۳۸۴). **حکومت دینی**. قم: دفتر نشر معارف.
۱۱. شاکرین، حمیدرضا (۱۴۰۲). دین و معرفت اخلاقی در نگاه دنت، بررسی و نقد. **کلام اسلامی**. ۳۲ (۳). ۲۸ - ۹.
۱۲. صدر، سید محمدباقر (۱۴۰۸ ق). **فلسفتنا**. قم: المجمع العلمی للشهید الصدر.
۱۳. طبرسی، حسن بن فضل (۱۴۱۲ ق). **مکارم الأخلاق**. قم: شریف رضی.
۱۴. عالمی، سید محمد (۱۳۸۹). **رابطه دین و اخلاق: بررسی دیدگاه‌ها در مناسبات دین و اخلاق**. قم: بوستان کتاب.
۱۵. فردوسی، حکیم ابوالقاسم (۱۳۹۱). تنظیم پژمان پورحسین: <http://takbook.com>
۱۶. قهرمانی، محمد (۱۳۸۲). بررسی تأثیر روزه‌داری بر وضعیت سلامت روانی. **مجموعه مقالات نقش دین در بهداشت روان**. قم: دفتر نشر معارف.

۱۷. کلینی، محمد بن یعقوب بن اسحاق (۱۴۰۷ ق). **أصول کافی**. تصحیح علی اکبر غفاری و محمد آخوندی. تهران: دار الکتب الإسلامیه.
۱۸. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی (۱۴۰۳ ق). **بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار** علیهم السلام. بیروت: دار إحياء التراث العربی.
۱۹. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۸۷). دین و اخلاق. **قبسات**. ۴ (۴). ۳۷ - ۳۰.
۲۰. مطهری، مرتضی (۱۳۷۱). **مجموعه آثار**. تهران: صدرا.
۲۱. مطهری، مرتضی (۱۳۸۲). **یادداشت ها**. تهران: صدرا.
۲۲. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴ الف). **مجموعه آثار**. تهران: صدرا.
۲۳. مطهری، مرتضی (۱۳۸۴ ب). **مجموعه آثار**. تهران: صدرا.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷ الف). **مجموعه آثار**. تهران: صدرا.
۲۵. مطهری، مرتضی (۱۳۸۷ ب). **مجموعه آثار**. تهران: صدرا.
۲۶. موسوی اصل، سید مهدی و همکاران (۱۳۹۵). **روان شناسی اخلاقی**. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
۲۷. نوربالا، احمدعلی (۱۳۸۲). اسلام و بهداشت روان. **مجموعه مقالات**. قم: دفتر نشر معارف.
28. Adlaf, EM, Smart RG (1985). Drug use and Religious Affiliation, feelings and behavior. *British journal of Addiction*. 80 (3). 163-171.
29. Barna, George (1999). Christians Are More Likely to Experience Divorce Than Are Non-Christians. *Barna Research Group*. 1999-DEC21. Available at http://www.barna.org/cgi_bin
30. Berg, Jonathan (1991). How Could Ethics Depend on Religion. *A Companion to Ethics*. ed. Peter Singer. Oxford, Blackwell.
31. Bunnin, Nicholas & Yu, Jiyuan (2009). *The Blackwell dictionary of Western philosophy*. USA: Blackwell publishing.
32. Comstock, G.R. Partridge, K. B. (1972). Church Abundance and Health. *Journal of Chronic Disease*. 25 (2). 665-672.
33. Dennett, daniel c. (2006). *Breaking the spell: religion as a natural phenomenon*. Viking Penguin. USA: Penguin Group Inc.
34. Gartner, J. Larson, D. B. & Allen, G. (1991). Religious Commitments and mental Health: A Review of the Empirical Literature. *Journal of Psychology and Theology*. 19 (4). 6-26.
35. Glenn N. D. & Weaver. C. N. (1987). A Multivariate, Multisurvey Study of Marriage. *Journal of marriage*. 40 (1). 267-282.
36. Mooney, T. Brian (2000). Dennett on Ethics: Fitting the Facts against Greed for

- the Good. Don Ross: Andrew Brook, David Thompson. *Dennett's Philosophy - A Comprehensive Assessment*. The MIT Press.
37. Sprowski, M. j. & Houghson M. J. (1987). Prescriptions for Happy Marriage Adjustments and Satisfaction of Couples married 50 or more years. *Family coordinator*. 27 (3). 321-327.
 38. Stern, Jessica (2003). *Terror in the Name of God: Why Religious Militants Kill*. New York: HarperCollins.
 39. Wilson, David Sloan (2002). *Darwin's Cathedral: Evolution, Religion, and the Nature of Society*. USA: University of Chicago Press.

